



پیدایش انقلاب اسلامی با احیای اندیشه سیاسی اسلام اتفاق افتاد/ امام خمینی(ره) فقه را در برابر تابش ولایت فقیه قرار داد

رئیس پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با بیان اینکه پیدایش اصل انقلاب اسلامی...

رئیس پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با بیان اینکه پیدایش اصل انقلاب اسلامی با احیای اندیشه سیاسی اسلام، توسط رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی(ره) بود، استمرار آن نیز با تداوم این اندیشه خواهد بود، گفت: بیداری و قیام مردم خارج از این مرز و بوم نیز با هدایت دینی انجام پذیر است که اکنون در کشورهای جهان اسلام انجام گرفته و این همان معنای صدور انقلاب است.

به گزارش خبرنگار مهر، درباره انقلاب، نظریات متفاوت و گاه متضادی بیان شده است. نویسندگان زیادی به کالبد شکافی انقلابها پرداخته اند و هر کدام از منظر خاصی انقلابها را بررسی نموده اند. پیرامون انقلاب اسلامی ایران نیز کتابهای زیادی نوشته شده است. نویسندگان - اعم از خودی و بیگانه - نظریه های متفاوتی در باره چرایی و چگونگی رخداد آن بیان نموده اند. برای شناخت ماهیت انقلاب اسلامی لازم است که شخصیت علمی و اخلاقی امام خمینی(ره) به عنوان بنیانگذار آنرا بهتر بشناسیم. در گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین نجف لکزایی، رئیس پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی که سالها در این راه تحقیق کرده و کتابها و مقالات مختلفی در این رابطه نوشته ابعادی از این موضوع بررسی شد که اکنون از نظر شما می گذرد.

***پرسشهای مطرح در حوزه انسان شناسی از پرسشهای جاودانه در فلسفه سیاسی است. پاسخهایی هم که به این پرسشها داده شده است، باعث می شود تفاوت مکاتب و متفکران در حوزه فلسفه سیاسی رقم بخورد. بر این اساس بفرمائید که مهمترین ویژگیهای انسان شناسی امام خمینی(ره) چیست؟**

مهمترین ویژگی موجود در انسان شناسی اسلامی که دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) مبین آن است، قائل شدن به ویژگیهای ذاتی و فرازمانی برای انسان و در کنار آن ویژگیهای اکتسابی با دو گرایش خیر و شر است. ذیل حدیث یازدهم کتاب چهل حدیث امام خمینی(ره) بحث «فطرت انسان» مورد توجه قرار گرفته است. «فطرت» به معنای خلقت است و در روایات اسلامی تعبیرهای متفاوتی از «فطرت» شده است، از جمله تفسیر به توحید، اسلام و امثال آن. از نظر امام خمینی این احادیث از قبیل «بیان مصداق» یا «تفسیر به اشرف اجزای شی» است. فطرتهای به ودیعه گذاشته شده در وجود انسان، الطافی است که خدای تعالی آنها را ویژه انسان قرار داده است و دیگر موجودات اصلاً دارای این گونه فطرتها نیستند یا بهره کمی از آن دارند. به نظر امام خمینی(ره) ویژگی مهم فطریات این است که میان تمام انسانها مشترک است و با تبدل احوال و تغییر زمان مکان و تمدن متحول نمی شود. مبنای فطرت باعث شده است علمای شیعه به یگانگی ذاتی انسانها حکم دهند. از نظر علمای شیعه تمام انسانها از فطرت مشترکی برخوردارند. بنابراین، اصل بر همگرایی، وحدت، یگانگی و صلح میان انسانهاست و اختلاف و نزاع که از سر غفلت به وجود می آید.

ولی از امور مُعجبه آن است با اینکه در فطریات، احدی اختلاف ندارد - از صدر عالم گرفته تا آخر - ولی نوعاً مردم غافلند از اینکه با هم متفقند و خود گمان اختلاف می نمایند. راه حل اختلاف چیست و چگونه می توانیم انسانها را به هم نزدیک کنیم و از تفرقه جلوگیری نماییم؟ راه حلی که علمای شیعه ارائه کرده اند آگاهی بخشی است، این بدان معنی است که آگاهی، رفتار انسان را تغییر می دهد؛ مگر آنکه به آنها تنبّه داده شود. آن وقت می فهمند موافق بودند در صورت مخالف. علمای شیعه به تمام انسانها توصیه می کنند به ذات خود مراجعه کنند و در کمال مورد نظر نیک بنگرند و در صورتی که به جای کمال واقعی و حقیقی به دنبال کمال توهمی اند به کمال حقیقی و معشوق واقعی روی آورند.

***نهضتها و انقلابهای مختلفی در اسلام خصوصاً در دوران غیبت اتفاق افتاد، ویژگی بارز قیام امام خمینی(ره) نسبت به این انقلابها چه بود که باعث موفقیت آن شد؟**

بنیانگذار جمهوری اسلامی قیام و نهضت اسلامی خویش را با احیای اندیشه سیاسی اسلام به ویژه احیای تئوری حکومتی اسلام آغاز کرد و این در واقع یکی از تفاوتهای اساسی نهضت بیدارگرانه و حیات بخش آن امام راحل(ره) نسبت به دیگر نهضتهای اسلام خواهانه قرون اخیر در جهان است و همین تفاوت اساسی یکی از عوامل مهم موفقیت و پیروزی انقلاب اسلامی شد. امام خمینی(ره) علاوه بر مبارزه برای نفی استعمار و استبداد به ارائه فلسفه سیاسی اسلام پرداخت و در واقع به این دو پرسش اساسی مهم فلسفه سیاسی که «چه کسی باید حکومت کند؟» و «چگونه باید حکومت کند؟»، پاسخهای صریح و روشنی داد و در عمل نیز به پیاده کردن این اندیشه اهتمام ورزید.

***به صورت کلی اندیشه سیاسی در اسلام به چه گرایشهایی تقسیم می شود؟**

با نگاهی به تاریخ اندیشه سیاسی اسلام به این نتیجه می رسیم که در میان متفکران و عالمان مسلمان که در جهت تبیین اندیشه و نظام سیاسی اسلام تلاش کرده اند. به طور عمده چهار گرایش و طرز فکر عمده و قابل ملاحظه است:

1- اندیشه سیاسی فلسفی که توسط فلاسفه پی نهاده شده است و مانند دیگر شعب فلسفه، از نحله های قدیم و از مبانی کتاب

و سنت، هر دو استفاده کرده است. کتابهایی همچون «آراء اهل المدينة الفاضله»، «السیاسات المدینه»، «التنبیه علی سبل السعادة» از فارابی، «سیاسیات شفا» از ابن سینا، «تدبیر المتوحد» از ابن باجه، «نبوات و سیاسات»، «مبدأ و معاد» و «الشواهد الربوبیه» از ملاصدرا و... از این قسم است. ماهیت، حقیقت و واقعیت سیاست محور اصلی بحث و بررسی در این گرایش است. در مرتبه بعد از زاویه حکمت عملی که همان عمل به حکمت است، به ارائه ویژگیهای انسان کامل می پردازند و چون انسان کامل نمی تواند به کمال برسد، مگر در مدینه فاضل و کامل به ارائه ویژگیهای مدینه فاضله و رئیس و رهبر آن و نحوه تدبیر حیات بشر در آن پرداخته اند.

2- اندیشه سیاسی اجتماعی که عمدتاً از جانب مصلحان اجتماعی معاصر ارائه شده است. از چهره های برجسته این شعبه از اندیشه می توان از سید جمال الدین اسدآبادی، سید عبدالرحمن کواکبی، شیخ محمد عبده، سید امیر علی هندی، سید عبدالله ندیم مصری، محمد اقبال لاهوری، شیخ محمد خیابانی، سید عبدالحسین شرف الدین لبنانی و شیخ محمد حسین کاشف الغطا یاد کرد. افکار این گروه در مکتوباتی همچون مجله «العروة الوثقی» و کتابهای «طبایع الاستبداد»، «تفسیر المنار»، «دیوان اقبال»، «الفصول المهمة فی تالیف الامة»، «المثل العلیا فی الاسلام لا فی بحدود» و ... دریافتنی است.

3- اندیشه سیاسی کلامی: از آنجا که یکی از بحثهای اساسی کلام، بحث «امامت» است، متکلمان مسلمان قسمت عمده مباحث خود را به بحث درباره نیاز جامعه اسلامی به امام و خصائص و شرایط وی اختصاص داده اند و از این نظام سیاسی مطلوب خود را ارائه کرده اند. کتابهایی از قبیل «الشافی فی الامامة» از سید مرتضی علم الهدی، «تجرید العقاید» از خواجه نصیرالدین طوسی، «التمهید» از قاضی ابوبکر باقلانی، «الارشاد» از امام الحرمین جوینی، «المغنی» از قاضی عبدالجبار همدانی، نمونه هایی هستند که می توانند شاهدی بر اینگونه اندیشه ها باشند. دانش کلام پیوسته در معرض مسایل جدید است، از این رو وقتی به دوره شکوفایی علم کلام می نگریم، گرایشات کلامی شیعی اثنی عشری، زیدی و...، گرایشات کلامی اشعری، معتزلی، گرایشات کلامی مرجئه و... قابل مشاهده است اما سوگمندان در تاریخ معاصر که جهان اسلام و به ویژه ایران مورد تهاجم و بلکه شبیخون فرهنگی دشمنان اسلام قرار گرفته و هنوز هم قرار دارد، این دانش و اندیشمندان آن از صحنه علمی به دور بوده اند و پاسخگوی معارضات جدید نبوده اند. مهمترین اقدام و بلکه یگانه اقدام مؤثر از سوی حضرت امام خمینی(ره) با طرح «ولایت فقیه» صورت گرفت.

4- اندیشه سیاسی فقهی که از آن به عنوان «فقه سیاسی» نیز یاد می شود، نظام ویژه ای است که فقهای مسلمان در باب حکومت و سیاست، در خلال ابواب فقهی عرضه کرده اند. اثر مشهور آیت الله نائینی بنام «تنبیه الامة و تنزیه الملة» و نیز مباحث فقهی حکومتی که از سوی فقیهانی همچون شهید اول، شهید ثانی، محقق کرکی، شیخ محمد حسن نجفی، شیخ جعفر کاشف الغطاء و ... مطرح شده است از این قبیل است.

*تفاوت اندیشه امام با فقهای که نام بردید در چه بود؟

در آثار فقها بیشتر به مباحث سلبی حکومت پرداخت شده است تا مباحث ایجابی و ایجاد و یا وجوبی و وجودی در این زمینه نیز امام راحل(ره) تحولات عظیم و مطابق با زمان ایجاد کرد. امام خمینی(ره) تجربه بیش از یک قرن شکست و ناکامی مسلمانان در مقابله با جهانخواران را به خوبی تحلیل و تبیین کرد. مشکلات و معضلات اساسی را دریافت و در یک تحلیل دقیق، شیوه و روشی بدیع در تبیین مسایل فقهی، کلامی و فلسفی - عرفانی اسلام را در پیش گرفت، در حالی که در این راه جو غالب از آن تفکر جدایی دین از سیاست، گریز از حکومت و بی توجهی به مسایل جهانی و منطقه ای بود و چه فریادها و دردها که امام از جو و محیط داشت.

امام خمینی(ره) اندیشه سیاسی اسلام را در وضعیتی دشوار در خلال مباحث فقهی مطرح کرد. اما اینگونه نبود که از چارچوب فقه و اصول فقه خارج نشوند، بلکه ضرورت ایجاد «حکومت اسلامی» به رهبری ولی فقیه را در کلام ثابت کرد و آنگاه فقه را با این اندیشه مشروب ساخت. در این مورد آیت الله جوادی آملی نظر روشنی دارند که به لحاظ اهمیت آن عیناً نقل می شود. «ابتکار امام خمینی در دین و فقه شناسی نه مانند اخباریون بود که از روزنه زبون تحجر و ثقبه کم نور جمود و خمول به آن می نگرند و نه مانند سایر اصولیون بود که از تنگنای مباحث الفاظ و اصول عملیه در آن نظر می نمایند و نه همتای سایر حکیمان و عارفان بود، ... بلکه دین شناسی او در «فقه اصغر» و «اوسط» و «اکبر» تابع دین شناسی امامان معصوم(ع) بوده است که آن ذوات مقدس دین را در همه زاویای غیب و شهودش می شناختند و درصدد اجرای همه آن بودند و تنها راه عملی نمودن آن تأسیس حکومت اسلامی است.» کاری که امام(ره) کرد، این بود که «بحث ولایت فقیه مظلوم را از قلمرو فقه بیرون آورد و به جایگاه اصلیش که مسأله کلامی است نشانند. آنگاه با براهین عقلی و کلامی این مسأله را شکوفا کرد و سراسر فقه را در تابش شعاع آن قرار داد.»

*امام(ره) اندیشه تأسیس حکومت اسلامی را از کجا، کی و چگونه مطرح کردند؟

امام خمینی (ره) با نگارش «کشف الاسرار» در سال 1323 ش، ضمن پاسخگویی به اتهاماتی که نویسنده «اسرار هزارساله» و دیگران به اسلام زده بودند، حمله به رژیم پهلوی را نیز به نحو بارزی آغاز کرد. در همین کتاب آورده بودند: «خدای عادل هرگز تن دادن به حکومت ظالمان را نمی پذیرد. تنها حکومتی که خرد و شرع آن را حق می داند، حکومت خدا، یعنی حکومت قانون الهی است و این نوع حکومت اگر به دست فقیه هم نباشد، باید حکومت با اساس و قانون الهی که صلاح کشور و مردم در آن است، اداره شود و چنین حکومتی بدون نظارت فقها امکان پذیر نیست.» به این ترتیب، اندیشه تأسیس حکومت اسلامی از آغاز مبارزات مورد نظر حضرت امام(ره) بود، ولی اولویت با ساختن و تربیت عناصر آگاه و یاران همدل بود. کاری که در جو آن روز هم شجاعت می خواست و هم نیاز به زمان داشت. بعد از حادثه فیضیه، در 22 فروردین 1342، ضمن معرفی دولت به

عنوان تشکیلاتی که اساساً مخالف اسلام است و برای دشمنی با قرآن با اسرائیل و ایالات متحده وحدت کرده است. فرمود: «باید این راه ادامه یابد، هر چه می شود بشود ولو بلغ ما بلغ.»

فکر تأسیس حکومت اسلامی (ره) و پیروانش را در مقابل نظام ستمشاهی پهلوی قرار می داد و ثانیاً مانع از آن می شد تا شکست‌هایی نظیر آنچه در نهضت مشروطه و غیر آن اتفاق افتاد، دوباره تکرار شود. این همه، در کنار لزوم ارائه یک فلسفه سیاسی در مقابل فلسفه سیاسی نظام حاکم، سبب شد تا از سوی حضرت امام خمینی(ره) در اول بهمن سال 1348، در اثنای بحث فقهی «مکاسب» موضوع «ولایت فقیه» محور تدریس قرار گیرد. در این درس بود که فرمود: «بر تمام مسلمانان و پیشاپیش آنان بر علمای روحانی و طلاب حوزه های علمیه اسلامی واجب است که علیه سمپاشیهای دشمنان اسلام، به هر وسیله ممکن، قیام کنند تا اینکه بر همگان آشکار شود که اسلام برای اقامه حکومتی عدل گستر آمده است.» انتشار این درس در قالب کتاب «ولایت فقیه» و یا «حکومت اسلامی» و یا عناوین دیگر مبارزات را وارد مرحله جدیدی کرد و در سطح وسیعتر تحول عمیقی در حوزه اندیشه سیاسی اسلام به وجود آورد و زمینه را برای طرح های مختلف در ابعاد مختلف حکومتی فراهم آورد.

*دلایلشان برای تأسیس حکومت اسلامی چه بود؟

ایشان در مورد لزوم برپایی حکومت اسلامی متذکر شده بودند که: «احکام اسلامی، اعم از قوانین اقتصادی و سیاسی و حقوقی، تا روز قیامت باقی و لازم الاجرا است... این بقا و دوام همیشگی احکام، نظامی را ایجاب می کند که اعتبار و سیاست این احکام را تضمین کرده، عهده دار اجرای آنها شود، چه، اجرای احکام الهی جز از رهگذر برپایی حکومت اسلامی امکان پذیر نیست.»

درباره اهداف حکومت فرموده اند: «لزوم حکومت به منظور بسط عدالت و تعلیم و تربیت و حفظ نظام جامعه و رفع ظلم و حراست مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوز بیگانگان، از بدیهی ترین امور است، بی آنکه بین زمان حضور و غیبت امام و این کشور و آن کشور فرقی باشد.» و نتیجه می گیرند که: «پس اقامه حکومت و تشکیل دولت اسلامی بر فقیهان عادل، واجب کفایی است.» و بدین گونه بود که در اندیشه امام (ره) فقها مکلف بودند برای تحصیل حکومت تلاش کنند و البته اگر یکی از فقیهان زمان به تشکیل حکومت توفیق یافت، بر سایر فقها لازم است که از او پیروی کنند.

*در مقابل این نظریه ها و اندیشه ها و قوت گرفتن امام(ره) رژیم شاه چه کرد؟

در مقابل اندیشه سیاسی حضرت امام (ره) که با قیام 15 خرداد زمینه های فراگیر شدن آن فراهم شده بود، رژیم غیرقانونی و فاقد مشروعیت پهلوی، با توسل به انواع و اقسام راهها و حيله ها، در صدد حفظ "سلطنت" خویش بود. تأسیس و تقویت ساواک، گسترش واحدهای پلیسی و اطلاعاتی، وابستگی هرچه بیشتر و بیشتر به امریکا، عوام فریبی و اتکاء بر «ناسیونالیسم افراطی» از اهم این شیوه ها بود. پهلوی در همان حال که به منظور فریب توده مردم می گفت: «نیرویی که دیگران نمی بینند مرا همراهی می کند، یک نیروی عرفانی، وانگهی من پیامهایی دریافت می کنم! پیامهای مذهبی، من خیلی مذهبی هستم. به خدا باور دارم و همواره گفته ام که اگر هم خدا وجود نمی داشت باید اعتراف می کردیم... من از پنج سالگی با خدا زندگی می کنم از زمانی که الهاماتی به من شده... من حضرت قائم را دیدم من دچار یک حادثه شدم... او خود را میان من و صخره جای داد... کسی که همراهم بود او را ندید.» در همین حال جشنهای 2500 ساله را برگزار کرد، تاریخ هجری را به تاریخ شاهنشاهی برگرداند و با احیاء تاریخ نویسی پادشاهی و تعویض نامها و قانونگذاریها درصدد بود تا ضمن یافتن فلسفه سیاسی قابل اتکایی برای کومت خود، اسلام را از سر راهش بردارد و هر چه زودتر به چیزی که وی آنرا «دروازه تمدن» می نامید، برسد. در این نبرد نور و ظلمت، حق و باطل و اسلام و کفر، اندیشه اسلام پیروز گشت و 22 بهمن 57 شاهد این پیروزی شد.

*اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) چه تأثیراتی در جهان داشت؟

همان گونه که پیدایش اصل انقلاب اسلامی با احیای اندیشه سیاسی اسلام، توسط رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی(ره) بود، استمرار آن نیز با تداوم این اندیشه خواهد بود و چنانکه بیداری مردم مسلمان ایران با رهبری دینی آغاز شد، بیداری و قیام مردم خارج از این مرز و بوم نیز با هدایت دینی انجام پذیر است که اکنون در کشورهای جهان اسلام انجام گرفته و این همان معنای صدور انقلاب است. بنابراین صدور انقلاب به «معنای پاسخ دادن به سؤالهای فکری بشر تشنه معارف الهی است» و این چیزی غیر از تداوم، پویایی و بالندگی اندیشه اسلامی به ویژه اندیشه سیاسی اسلام، که امام راحل (ره) احیاگر آن بود، نیست. تأثیرات و روند این اندیشه را در سه سطح (ایران، جهان اسلام و نظام بین الملل) می توان بررسی کرد.

اگر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، برخورد و رویارویی اندیشه اسلامی عمدتاً با سلطنت بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسائل دیگری رویارویی اندیشه اسلامی به ویژه، اندیشه سیاسی اسلام، قرار گرفت. این رویارویی سبب احیاء و گسترش اندیشه سیاسی اسلامی در حوزه های کلامی، فلسفی، اجتماعی و فقهی گردید. گامهایی که در این گرایشها برداشته شده، بسیار اساسی است و می شود گفت زمینه را برای مطالعات و پژوهشهای بعدی در این حوزه ها، فراهم کرده است. تدریس فلسفه و یادگیری زبان خارجی اگر روزی کفر به حساب می آمد، امروزه اینگونه نیست. اگر روزی جو غالب از آن گرایش جدایی دین از سیاست بود و به تعبیر امام راحل(ره) «آخوند سیاسی» لقبی نابخشودنی بود، امروز چنین نیست. سخن امام خمینی(ره) در این مورد سندی است که هر پژوهشگری را از تفصیل بی نیاز می کند. «وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت در منطق ناآگاهان غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد... حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد. به زعم بعضی افراد، روحانیت زمانی قابل احترام و تکریم بود که حماقت از سرو پای وجودش بیبارد والا عالم سیاسی و روحانی کاردان و زیرک کاسه ای زیر نیم کاسه

داشت. و این از مسایل رایج حوزه ها بود که هر کس راه می رفت، متدین تر بود. یاد گرفتن زبان خارجی کفر و فلسفه و عرفان گناه و شرک. به شمار می رفت.»

***امام(ره) چه نقشی در حوزه تحول در فقه ایجاد کردند؟**

یکی از تحولات مهمی که امام(ره) آنرا به وجود آورد، تحول در حوزه فقه بود ایشان با اینکه «در مورد روش تحصیل و تحقیق در حوزه ها... معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری» بود و تخلف از آنرا جایز نمی دانست ولی معتقد بود که «این بدان معنی نیست که فقه اسلام پویا نباشد.» بر همین اساس بر نقش دو عنصر زمان و مکان توجه داد: «زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند.» مسأله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر، همان مسأله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام، ممکن است حکم جدیدی پیدا کند. بدان معنی که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعا موضوع جدیدی شده است که قهرا حکم جدیدی می طلبد.» و از همه مهمتر اینکه حکومت را فلسفه عملی تمامی فقه دانست: «حکومت، در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است.» و ویژگیهای مجتهد واقعی را اینگونه برشمرد: «آشنایی به روش برخورد با حیلها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاستها و حتی سیاسیون و فرمولهای دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط ضعف... از ویژگیهای یک مجتهد جامع است.»

***اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) چه تأثیراتی در جهان اسلام داشت؟**

با پیروزی انقلاب اسلامی، چراغ امید در قلب امت اسلام روشن شد و مسلمانانی که تا آن هنگام فکر می کردند برای رهایی از یک ابرقدرت باید به ابرقدرت دیگری روی آورند و یا بعضی که گمان می کردند، امکان برقراری حکومت اسلامی در این عصر و زمانه نیست، اندیشه و فکرشان بطور کلی متحول شد. شاهد این ادعا این است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی از نفوذ اندیشه های مارکسیستی و غیر آن در میان مسلمانان کاسته شد و در عوض اسلام به عنوان راهنمای عمل انتخاب گردید. بدین گونه فریاد اسلام خواهی مردم لبنان و سودان و الجزایر و مصر و افغانستان و کشمیر و اقصی نقاط جهان متأثر از انقلاب اسلامی و اندیشه امام خمینی(ره) به حساب می آید. آنچه گفته شد چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد. در این مورد حتی بیگانگان نیز به این حقیقت اعتراف کرده اند. پژواک اندیشه انقلاب اسلامی در سطح جهان اسلام، احیاء مذهب و به راه انداختن جنبشهای اسلامی بود. چیزی که به نفوذ این «اندیشه» کمک کرد، آرزوهای امام(ره) در جهت آزادی جهان اسلام از زیر یوغ استعمارگران و طاغوتیان، مجد و عزت مسلمانان، از بین رفتن تفرقه های سیاسی، مذهبی، ملی و قومی در جهان اسلام، آگاهی بخشی به مسلمانان جهان، بازسازی و نجات تفکر دینی و در یک کلام نجات مسلمین بود.

***اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) چه تأثیراتی در نظام بین الملل و توازن قدرت در منطقه داشت؟**

اگر تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی گفته می شد که «دین افیون توده هاست»، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و اندیشه دینی در ایران، این سخن به موزه های تاریخ اندیشه سپرده شد. به نظر می رسد یکی از علل عمده غافلگیر شدن تحلیلگران غربی و شرقی در پیش بینی وقوع انقلاب اسلامی، تصورات غلط آنها از دین و اندیشه دینی بود. یکی از عواملی که به نفوذ اندیشه سیاسی اسلام (علاوه بر دین اسلام) در سطح نظام بین الملل قوت بخشید و قرآن را به صورت یک اندیشه جهانی، که تمام جهان را به سوی خویش دعوت می کند درآورد، نامه امام(ره) به گورباچف بود، نامه ای که یادآور نامه های پیامبر اسلام(ص) به پادشاهان جهان بود. در این نامه به صراحت مشکل اصلی کشور شوروی سابق «عدم اعتقاد واقعی به خدا» معرفی شده بود و امام(ره) از گورباچف می خواست که درباره اسلام به طور جدی تحقیق کند. به این ترتیب، طرح اندیشه دینی و مذهبی در جهان امروز، یکی از ثمرات مهم انقلاب و اندیشه بنیانگذار آن می باشد، چیزی که تا قبل از انقلاب در ردیف مسائل فراموش شده و بلکه تخدیر کننده جوامع به حساب می آمد. گفتنی و قابل توجه است که مطرح شدن اندیشه اسلامی در سطح جهان از چنان جدیتی برخوردار است که نظام موجود جهانی را به اعمال واکنش مجبور ساخته است. طرح تئوریهای همچون «رویاریوی تمدنها» در این راستا قابل تحلیل است.

***با این اوصاف اکنون وظایف همه مردم خصوصا روحانیون و مسئولان در قبال انقلاب اسلامی و میراث بزرگ امام خمینی(ره) چیست؟**

حوزه ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه های رایج اداره امور در سالهای آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام، از هم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند. حوزه امروز برای اینکه بتواند به چنین وظیفه ای عمل کند باید عالمانی آگاه به سیاست، فرهنگ و اقتصاد جهانی و... تربیت کند؛ عالمانی که با اشراف بر مکتب نجات بخش اسلام، تداوم دهنده «اصل دعوت» که توسط امام خمینی(ره) احیا شده باشند و بدانیم که اصل دعوت با تکیه بر «موعظه، حکمت و جدال احسن»، «استقلال فرهنگی» را به بار می آورد. چیزی که بدون آن به تعبیر استاد مطهری حتی با این فرض که استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی را به دست آوریم، اگر به استقلال فرهنگی دست نیابیم، شکست خواهیم خورد و نخواهیم توانست انقلاب را به ثمر برسانیم. بدیهی است که این یکی از بهترین راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن است. به این ترتیب به میزان نفوذ اندیشه اسلامی که با نهضت فکری امام خمینی(ره) زمینه بسط آن فراهم آمده است، قلمرو اسلامی خواهیم داشت.